

خاموشی یک فریاد

مهدی خانبابا تهرانی - فرانکفورت

یکشنبه اول آذرماه ۱۳۷۷، وقتی زنگ تلفن خانه به صدا درآمد، از آنسوی خط، صدای آشنای یکی از برنامه‌سازان بخش فارسی رادیو امریکا به گوشم رسید که هیجان‌زده پس از سلام بلافاصله پرسید: خبر را شنیدی؟ گفتم چه خبری؟ گفت: خبر قتل پروانه و داریوش فروهر را که امروز در خانه مسکونی‌شان به ضرب چاقو و دشنه از پای درآمده‌اند! با شنیدن این خبر در آن غروب غم‌انگیز پاییز آلمان، لحظه‌ای زبانم بند آمد و آه از نهادم برخاست؛ من که همیشه این دو آزاده‌ی دلیر را در برابر دیدگانم چون خدنگ ایستاده دیده بودم، نمی‌خواستم باور کنم دیگر این رزم‌آوران دلیر و پرچمداران شجاع جنبش آزادیخواهی در میان ما نخواهند بود.

در این اثناء ناگهان صدای مجری برنامه‌ی فارسی رادیو صدای امریکا از آنسوی خط - که گویا متوجه سکوت غیرمترقبه من شده بود - رشته‌ی افکارم را برید؛ با این سؤال: آیا برای اجرای یک مصاحبه درباره‌ی این رویداد هولناک آماده‌ای؟ در آن لحظه علیرغم فشار سخت روحی که داشتم، دعوت او را پذیرفتم و دقایقی بعد صدایم همراه با صدای علیرضا نوری زاده مفسر روشن بین رویدادهای ایران که در آن گفت وگو شرکت داشت، بر روی امواج رادیویی در فضای ایران زمین طنین افکن شد و مردم ایران از این جنایت هولناک و علل آن در ساعت ۶ بعد از ظهر به وقت اروپا مطلع شدند!

آری در آن روز، دشمنان آزادی و حاکمیت ملت ایران، به دنبال تهدیدهای علنی رهبران انحصارطلب جمهوری اسلامی مبنی بر "زبان بریدن و گردن زدن" دگراندیشان و اعلام موجودیت گروههای تروریستی شناخته شده، دست به جنایت دهشتناک دیگری زدند تا با وسعت بخشیدن به جو ترور و وحشت - که از چند ماه پیش به فرمان ولی فقیه با توقیف و تعطیل روزنامه‌ها و دستگیری و سرکوب نویسندگان مطبوعات شدت گرفته بود - مبارزان سیاسی، روشنفکران و دانشجویان را به ترک مبارزه، انفعال و سکوت، وادار کنند.

از این رو، از همان لحظات نخست که خبر این جنایت هولناک انتشار یافت، تمام نیروهای سیاسی، نهادها و محافل آگاه، این قتل دوگانه را سیاسی خواندند و انگشت اتهام را به سوی جمهوری اسلامی نشانه رفتند!

داریوش و پروانه فروهر که عمری در راه استقلال، آزادی، حاکمیت ملی و برای استقرار مردمسالاری ایران تلاش ورزیده و در سالهای اخیر نیز از درون کشور، از طریق روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون‌های بین‌المللی فریاد اعتراض و مخالفت خود را با نظام ارتجاعی ولایت فقیه دائم به گوش هم‌میهنان داخل و خارج ایران و حکومتگران جمهوری اسلامی رسانده بودند، بدون تردید تمامی دقایق زندگی و رفت و آمد آنها و مراجعین و معاشرتها و سایر امور زندگی‌شان در همه‌جا تحت مراقبت و پوشش اطلاعاتی دائمی دستگاههای امنیتی قرار داده شده بود.

علیرغم وجود دستگاههای عریض و طویل امنیتی - اطلاعاتی و حضور گسترده‌ی "سربازان گمنام امام زمان" در همه جا اکنون مردم، نهادها و محافل آگاه سیاسی در ایران و خارج به درستی از خود می‌پرسند: "چگونه یک یا چند نفر می‌توانند از پوشش و رادار اطلاعاتی تمام وقت عبور کنند و با خیال آرام و فراغ بال، آنها را به آن طرز

فجیع به قتل برسانند! آیا تشکیلات عظیم و هزینه‌های هنگفت و سرسام‌آور و تهیه و تجهیز وسائل و امکانات مراکز امنیتی - اطلاعاتی جمهوری اسلامی، تنها به منظور ایجاد امنیت برای گروهی محدود است که بتوانند حکومت سلطه را بر ملت تحمیل کنند و از همه‌ی امکانات یک ملت بزرگ و یک کشور تاریخی به طرز انحصاری بهره بگیرند؟“

واقعیت این است که حکومتی که از سرنوشت خویش بیمناک است، همیشه در ترس و لرز به سر می‌برد و از مردم خود و دگراندیشان جامعه وحشت مرگ دارد و برای گریز از ترس مرگ به شیوه‌های خشونت‌عریان و حیوانانه‌ترین شکل آن، نابود کردن فیزیکی مخالفان دست می‌یازد! با این پندار و امید واهی که با خاموش کردن یک فریاد و از بین بردن چهره‌های برجسته و فعال جنبش اپوزیسیون ترقی خواه می‌تواند چند صباحی به عمر سلطه‌ی ظالمانه‌ی خود بیفزاید. رژیم ولایت فقیه چون سایر رژیم‌های استبدادی قادر به درک این واقعیت نیست که ارتکاب اینگونه جنایتها فقط روند فروپاشی آن را تسریع می‌کند، مردم با خشم و نفرت از جنایات رژیم و عاملان آن یاد می‌کنند. و بیش از پیش از کل نظام فاصله می‌گیرند!

زمانی که تحمل ظلم نظامهای ظالمانه‌ای به مانند نظام ولایت مطلقه فقیه برای ملتی آسان‌تر شود تا تحمل خفت و خواری و شرمندگی از داشتن چنین حکومتی در انظار جهانیان، آنگاه با اطمینان می‌توان گفت که ملت بزرگ ایران با آغاز هزاره‌ی سوم نقطه‌ی پایانی بر این شرمندگی تاریخی خواهد نهاد!

بدیهی است که هدف قتل پروانه و داریوش - این دو سرو بلندقامت عرصه‌ی پیکار آزادیخواهانه‌ی جنبش ایران - و این گونه اقدامات غیرانسانی و وحشیانه، مرعوب ساختن نیروهای مخالف و عقیم کردن مبارزات آزادیخواهانه داخل و خارج ایران است. اما، ملت ایران در برابر خاموشی یک فریاد و چنین فجایعی ساکت نخواهد ماند و نیروهای مخالف ولایت فقیه و طرفداران مردمسالاری و حاکمیت ملی با فریادی رساتر و مصمم‌تر از پیش در راه اتحاد و تحقق آرمان‌های ترقیخواهانه‌ی خویش گام برخواهند داشت!

بر ماست که با شتاب بخشیدن به فرآیند پیکار آزادیخواهانه و اتحاد نیروهای دموکرات و ترقیخواه، روند فروپاشی استبداد و پیروزی جنبش مردمسالاری را بیش از پیش تسریع کنیم.

افتخار جاوید بر سروران آزاده و پیکارگران بی‌پاک و دلیر جنبش ملی آزادیخواهانه‌ی ایران زمین پروانه و داریوش فروهر .